شمه ای از فداکاری

ابوطالب سلام الله علیها

جعفر سبحانی

شمه‌ای از فداکاری ابوطالب علیه السلام

نویسنده:

آیت الله جعفر سبحانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله العظمی جعفر سبحانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شمه‌ای از فداکاری ابوطالب علیه السلام

مشخصات کتاب

مولف:جعفر سبحانی

شمه‌ای از فداکاری ابوطالب

سران قریش در خانه ابوطالب با حضور پیامبر انجمنی تشکیل دادند. سخنانی میان آنان رد و بدل گردید سران قریش بدون اینکه نتیجه‌ای از مصاحبه خود بگیرند از جای خود بلند شدند، در حالی که عقبهٔ بن ابی معیط، بلند بلند می گفت: او را به حال خود باقی بگذارید؛ پند و نصیحت‌سودی ندارد و باید او را ترور کرد و به زندگی وی خاتمه داد. [۱] . ابوطالب از شنیدن این جمله، سخت ناراحت گردید ولی چه می‌توانست‌بکند، آنان به عنوان مهمان وارد خانه او شده بودند. اتفاقا رسول گرامی همان روز از خانه بیرون رفت، و دیگر به خانه برنگشت. طرف مغرب، عموهای آن حضرت به خانه وی سر زدند، اثری از او ندیدند. ناگهان ابوطالب، متوجه گفتار قبلی «عقبه» گردید، و با خود گفت‌حتما برادر زاده‌ام را ترور کرده‌اند و به زندگی او خاتمه داده‌اند. با خود فکر کرد که کار از کار گذشته، باید انتقام محمد را از فرعونهای مکه بگیرم. تمام فرزندان هاشم و عبدالملک را به خانه خود دعوت کرد، و دستور داد که هر کدام سلاح برنده‌ای را زیر لباسهای خود پنهان کنند، و دستجمعی وارد مسجدالحرام گردند؛ هر یک از آنها در کنار یکی از سران قریش بنشینند و هر موقع صدای ابوطالب بلند شد و گفت: یا معشر قریش ابغی محمدا: ای سران قریش محمد را از شما می‌خواهم؛ فورا از جای خود برخیزید و هر کس شخصی را که در کنارش نشسته است ترور کند، تا به این وسلیه جملگی به قتل برسند. ابوطالب عازم رفتن بود که ناگهان «زید بن حارثه» وارد خانه شد و آمادگی آنها را دید. دهانش از تعجب باز ماند و گفت هیچ گزندی به پیامبر نرسیده و حضرتش در خانه یکی از مسلمانان مشغول تبلیغ است. این را گفت و بی‌درنگ دنبال پیامبر دوید و حضرت را از تصمیم خطرناک ابوطالب آگاه ساخت. پیامبر نیز برق‌آسا خود را به خانه رساند. چشم ابوطالب به قیافه جذاب و نمکین برادرزاده افتاد. در حالی که اشک شوق از گوشه چشمان او سرازیر بود، رو به وی کرد، گفت: این کنت‌یا ابن اخی اکنت فی خیر؟ برادر زاده‌ام کجا بودی؟ در این مدت شاد و خرم و دور از گزند بودی؟! پیامبر جواب عمو را داد و گفت: از کسی آزاری به او نرسیده است. «ابوطالب» تمام آن شب را به فکر فرو رفته بود، و با خود می‌اندیشید، و می گفت: امروز برادر زاده‌ام مورد هدف دشمن قرار نگرفت، ولی، قریش تا او را نکشد آرام نخواهد گرفت. صلاح در این دید که فردا پس از آفتاب موقع گرمی انجمنهای قریش با جوانان هاشم و عبدالمطلب وارد مسجد گردد و آنها را از تصمیم دیروز خود آگاه سازد؛ شاید رعبی در دل آنها بیفتد و بعدها نقشه کشتن محمد را نکشند. آفتاب مقداری بالا آمد، وقت آن شد که قریش از خانه‌ها به سوی محافل خودروانه شوند، هنوز مشغول سخن نشده بودند که قیافه ابوطالب از دور پیدا شد، و دیدند جوانان دلاوری به دنبال او می‌آیند همه دست و پای خود را جمع کرده و منتظر بودند که ابوطالب چه می‌خواهد بگوید، و برای چه منظوری با این دسته، وارد مسجدالحرام شده است. ابوطالب در برابر محفل آنان ایستاد و گفت: دیروز محمد ساعاتی از دیده ما غائب گردید. من تصور کردم که شما به دنبال گفتار «عقبه» رفته و او را به قتل رسانیده‌اید. از اینرو تصمیم گرفته بودم با همین جوانان وارد مسجد الحرام شوم و بهر یک از دستور داده بودم در کنار یکی از شما بنشیند، و هر موقع صدای من بلند شد همگی بیدرنگ از جای برخیزند، و با حربه‌های پنهانی خود، خونهای شما را بریزند. ولی خوشبختانه محمد را زنده یافتم و او را از گزند شما مصون دیدم. سپس به جوانان دلاور خود دستور داد، که سلاحهای پنهانی خود را بیرون آوردند و گفتار خود را با این جمله پایان داد: به خدا قسم اگر او را می کشتید، احدی از شما را زنده نمی گذاشتم و تا آخرین نیرو با شما می‌جنگیدم و... [۲] . اگر صفحات تاریخ زندگی حضرت ابوطالب را از نظر بگذرانید

ملاحضه خواهید کرد که وی چهل سال تمام پیامبر را یاری نمود و بالاخص در ده سال اخیر زندگانی او، که مصادف با بعثت و دعوت آن حضرت بود جانبازی و فداکاری بیش از حد در راه پیامبر از خود نشان داد. یگانه عاملی که او را تا این حد استوار و پای برجاساخته بود همان نیروی ایمان و عقیده خالص او و نسبت‌به ساحت مقدس پیامبر اسلام بوده است و اگر فداکاریهای فرزند عزیز او علی را، به خدمات پدر ضمیمه کنید، حقیقت اشعار یاد شده در زیر، که ابن ابی الحدید در این باره سروده است‌برای شما روشن می‌شود. اینک ترجمه بخشی از آن اشعار: «هر گاه ابوطالب و فرزند او نبود، هرگز دین، قد راست نمی‌کرد. وی در مکه پناه داد و حمایت کرد، و فرزند او در «یثرب» در گردابهای مرگ فرو رفت.»

پاورقی

[۱] لا تعود الیه ابدا و ما خیر من ان نقتال محمدا.

[۲] و الله لوقتلتموه ما ابقیت منکم احدا حتی نتفانی نحن و انتم - «طبقات کسری» ج ۱/۲۰۲- ۲۰۳ «طرائف ص ۸۵»، «الحجة» / ۶۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».